

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام  
سال چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷  
صفحات ۴۵ - ۶۴

## تصویر امام حسن عسکری علیه السلام در آثار غربیان

سعید طاوسی مسرور<sup>۱</sup>  
علیرضا دهقانی<sup>۲</sup>

### چکیده

شیعه پژوهان غربی از قرن بیستم به این سو آثار بسیاری درباره امامان شیعه علیهم السلام منتشر کرده‌اند. در بیشتر این آثار تصویری ناقص و نادرست از امامان ارائه شده است. این نقص، در آثار مربوط به امام حسن عسکری علیه السلام مشهودتر است زیرا مسلمانان به ویژه محققان شیعی نیز کمتر درباره آن امام پژوهش کرده‌اند. سوال اصلی پژوهش این است که شیعه پژوهان غربی چه تصویری از امام یازدهم علیه السلام ارائه کرده‌اند؟ این پژوهش با بررسی متون تخصصی و دانشنامه‌های منتشر شده در غرب، نشان داده است که غربیان کمتر از دیگر امامان شیعی به امام حسن عسکری توجه کرده‌اند و تنها سه مقاله درباره ایشان و یک اثر درباره تفسیر منتسب به ایشان منتشر کرده‌اند و در همین چند اثر نیز تصویری ناقص و حتی مخدوش و تحریف شده از امام یازدهم علیه السلام ارائه کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** الیاش، امام حسن عسکری علیه السلام، برادر، دونالدسون، سامرا، هالم.

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، saeed.tavoosi@gmail.com.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام، alirezadehghani1375@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۶

## درآمد

شخصیت، سیره، زمانه و مآثر امام حسن عسکری علیه السلام در میان دانشوران شیعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقایسه با امیرالمؤمنین، امام حسین، امام صادق و امام رضا علیهم السلام که صدها اثر مستقل درباره هر یک از این بزرگواران به رشته تحریر درآمده است، به امام یازدهم علیه السلام سهم بسیار کمتری اختصاص داده شده است. این موضوع شاید سبب شده تا محققان غربی نیز به آن حضرت التفات کمتری داشته باشند. در میان آثار شیعی مستقل راجع به آن حضرت می توان از *حیة الإمام العسکری علیه السلام نگاشته محمدجواد طبسی*<sup>۱</sup>، *حیة الإمام الحسن العسکری علیه السلام نوشته باقر شریف القرشی*، *الإمام الحسن العسکری والد الإمام المهدي الموعود اثر علی کورانی* عاملی و *زندگی نامه حضرات عسکریین از ابوالقاسم سحاب نام برد*. در میان اسلام شناسان و شیعه پژوهان مغرب زمین شاید بتوان گفت دوایت مارتین دونالدسون (۱۸۸۴-۱۹۹۶م) نخستین کسی است که درباره آن حضرت در کتاب مشهور خود *مذهب شیعه*<sup>۲</sup> تحقیق مجزایی به حجم ۹ صفحه اختصاص داده است. پس از آن می توان از مدخل حسن عسکری علیه السلام در *ویرایش دوم دائرة المعارف اسلام*<sup>۳</sup> نام برد که پژوهشگری یهودی به نام ژوزف الیاش آن را نوشته است. کتاب تشیع نوشته هاینس هالم<sup>۴</sup> پژوهشگر آلمانی اثر دیگری است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان بخش بررسی آثار تخصصی درباره آن حضرت، گزارشی از مقاله مایر براشر درباره تفسیر منسوب به *امام حسن عسکری*<sup>۵</sup> ارائه شده است. در پایان گزارشی از مهمترین آثار در حوزه *دائرة المعارف های عمومی* آمده است که به مناسبتی به امام حسن عسکری علیه السلام اشاره ای هرچند کوتاه داشته اند.

## آثار تخصصی

### ۱- مذهب شیعه

دونالدسون<sup>۶</sup> در کتاب *مذهب شیعه* فصلی را به هر یک از ائمه اختصاص داده، امامان را

۱. این کتاب توسط عباس جلالی با عنوان *با خورشید سامرا ترجمه و توسط انتشارات بوستان کتاب* به زیور طبع آراسته شده است.

2. Dwight M. Donaldson, *The Shi'ite Religion: A History of Islam in Persia & Iraq*, London: Luzac & Company, 1933, pp.217-225.

3. Joseph Eliash, HASAN AL-ASKARI, in *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leiden: E.J. Brill, 1986.

4. Halm, Heinz, *Shi'ism*, translated by Janet Watson, London: Edinburgh University Press, 2<sup>nd</sup> edition, 2004.

5. Meir M. Bar-Asher, "The Quran Commentary Ascribed to Imam Hasan Al-Askari", in *Jerusalem studies in Arabic and Islam*, No. 24, 2004, pp.379-385.

۶. دونالدسون و همسرش سال ها از طرف دولت انگلستان در مشهد زندگی کرده اند. برخی آنان را جاسوس می دانند. از مقالات

معرفی کرده و سپس درباره اماکن شیعی یعنی نجف، کربلا و نظایر اینها گزارشی داده است. وی در این کتاب فهرست منابع را به تفکیک موضوعی نظیر تراجم، رجال و فرقه نگاری آورده و گاهی از نسخ خطی هم بهره برده است. دونالدسون در مدخل *نه صفحه ای* درباره امام عسکری علیه السلام ابتدا بر پایه کتاب‌هایی مانند *الکافی*، *بحار الانوار* و *وفیات الأعیان* شرح حالی از امام ارائه کرده و به اختلاف نظرها درباره تاریخ ولادت امام اشاره کرده است.

وی به درستی اشاره می‌کند مادر امام *أم ولد* بوده است، اما در ضبط نام وی اشتباه کرده و آن را به جای *حَدِيث*، *حَدِيث* نوشته است (Donaldson, 1933: 217). از میان القاب امام به الصامت، الهادی، الرفیق، الزکی، النقی و ابن‌الرضا اشاره می‌کند (Ibid: 217-218). شیعیان علاوه بر امام حسن عسکری علیه السلام، به امام هادی علیه السلام و امام جواد علیه السلام نیز ابن‌الرضا می‌گفتند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱۳۱/۲). نکته جالب اینجاست که او برخلاف تصور عمومی شیعیان که خاستگاه لقب ابن‌الرضا برای نوادگان امام هشتم را ولایت‌عهدی آن حضرت تلقی می‌کنند، بدون آنکه استدلالی ارائه دهد، بنابر استحسان معتقد است این لقب در تعریض واقفه گفته شده که بر امام کاظم توقف و ولایت امام رضا علیه السلام را انکار کردند (Ibid: 218). امام علیه السلام القاب دیگری از جمله السراج (طبرسی: همانجا) و الفاضل (طوسی، *الغیبة*: ۱۵۱) نیز داشته‌اند که دونالدسون آنها را ذکر نکرده است. حسین بن حمدان خصیبی القاب الشفیع، الموفی، التقی، السخی و المستودع را نیز از القاب امام دانسته است (خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۲۷).

دونالدسون می‌نویسد امام در خردسالی مثل دیگر پسران محمدی، قرآن و شریعت آموخت و به مطالعه و علم آموزی پرداخت و حتی موفق شد چند زبان مانند فارسی، ترکی و هندی را بیاموزد (Ibid: 218). اولاً تعبیر محمدی به جای مسلمان برای انتساب امام علیه السلام به جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شیوه‌ای بود که غربیانی چون دونالدسون برای اراده تصویری توهین‌آمیز از ایشان به کار می‌بردند؛<sup>۱</sup> تا به زعم خود آنان را پیرو شخصی منحرف معرفی کرده و تحقیر کنند.<sup>۲</sup> ثانیاً وی در این عبارت علی‌رغم ارجاع به معجزه شماره هفده از کتاب *خلاصة الأخبار خواندمیر*،

او می‌توان به حوزه‌های علمیه مشهد (۱۹۲۶م)، کمیل محرم راز، سلمان، محراب‌های حرم رضوی، ازدواج موقت در اسلام و عقیده شیعه درباره امامت اشاره کرد (برای تفصیل بیشتر نک. احمدوند و طاوسی مسرور، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۵).

۱. نک. صمیمی، ۱۳۸۶: سرتاسر کتاب؛ تعبیر محمدیان (Muhammadan) در اشاره به مسلمانان تعبیر رایجی نزد غربیان است و بارها در قرن نوزدهم و بیستم به کار رفته است. برای نمونه بریتانیایی‌ها در سال ۱۸۰۵م در هند برای آشنایی با فقه اسلامی احکام تجاری کتاب *تحریر الاحکام و ارشاد الازهان*، نوشته‌ی علامه حلی، *شرایع الاسلام*، نوشته‌ی محقق حلی و *مفاتیح الشرایع*، نوشته‌ی ملا محسن فیض با نام *چکیده‌ای از فقه محمدیان* به انگلیسی ترجمه کردند (احمدوند و طاوسی مسرور، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۸).

۲. نک. الویری، ۱۳۸۱: ۱۱۷-۱۱۸.

بیان خواندمیر را به دلخواه خود صورت‌بندی کرده‌است. به عبارت دیگر، خواندمیر تسلط امام بر چند زبان را از معجزات ایشان دانسته در حالی که دونالدسون که علم امام به زبان‌های دیگر را آموختنی می‌داند، نتوانسته است اساتید امام را شناسایی کند. اگر بگویید امام هادی معلم ایشان بوده‌است، پرسش این است معلم امام هادی چه کسی بوده‌است؟ در منابع متقدم امامیه روایات متعددی درباره معجزه اشراف حضرات معصومین به تمام زبان‌ها وجود دارد (نک. صفار، ۱۴۰۴: ۳۳۷-۳۴۰؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۱/۲۵۱).

دونالدسون گزارش ازدواج امام عسکری علیه السلام و نرجس خاتون را مستقیماً از *بحار الانوار* (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱/۶-۱۰؛ به نقل از ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۴۱۷-۴۲۳) ترجمه و آن را تخیلی و برای افزایش شرافت امام دوازدهم دانسته است (Ibid: ۲۲۳-۲۱۸). گذشته از اینکه او دلیلی برای تخیلی بودن آن ارائه نمی‌کند، پرسش اینجاست چگونه ازدواج با کنیزی رومی برای فرزند حاصل از این ازدواج که از سوی پدری نسب به پیامبر می‌برد- شرافت‌زا است! باری، در روایات شیعی احوال مختلفی درباره همسر امام حسن عسکری علیه السلام و مادر امام زمان وجود دارد (جاسم حسین، ۱۳۸۵: ۱۱۴-۱۱۵)؛ از این میان دو قول بیشتر مورد توجه بوده‌است یکی علویه‌ای به نام مریم، دختر زید از داعیان طبرستان (خصیعی، ۱۴۱۹: ۳۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸/۵۱) و دیگری صیقل یا همان نرجس است. بیشتر مورخان قول دوم را پذیرفته‌اند. جاسم حسین بر این باور است که در آن زمان اصلاً جنگی میان عباسیان و امپراتوری روم در نگرفته بود، پس آن کنیز نمی‌توانسته رومی باشد (جاسم حسین، ۱۳۸۵: ۱۱۵). بر خلاف نظر جاسم حسین، اخیراً در پژوهشی، فرض رومی بودن مادر آن حضرت، تقویت شده‌است (Taghavi, Roohi and Karimi: 1 - 17). دونالدسون اضافه می‌کند ازدواج امام با دختری رومی محال هم نیست چون پیش از آن واقع شده‌است (Ibid: ۲۲۳). در ادامه دونالدسون به نقل روایات شیعی درباره فضائل امام علیه السلام می‌پردازد (Ibid: 223-224). او به سبب این که می‌خواهد تصویر امام در نگاه شیعیان را به غریبان منتقل کند، دخل و تصرف چندانی در گزارش تاریخی انجام نمی‌دهد. دونالدسون به این نکته اشاره می‌کند که یکی از محدودیت‌های دستگاه خلافت برای امام علیه السلام این بود که خمس شیعیان به امام نرسد (Ibid: 225). وی همچنین به غصب فدک اشاره می‌کند که هرچند عمر بن عبدالعزیز آن را برگرداند ولی عباسیان دوباره فدک را پس گرفتند (Ibid: 225). دونالدسون برپایه نظر نویسندگان دو کتاب *عقیده الشیعة و تذکرة الأئمة* به احتمال مسمومیت امام توسط معتمد اشاره می‌کند و البته مسئولیت آن را بر عهده منابع شرح حال نگاری شیعی می‌گذارد.

## ۱. مدخل «حسن عسکری» علیه السلام در دائرة المعارف اسلام

مهمترین کاری که غربیان درباره امام عسکری علیه السلام منتشر کرده‌اند، مقاله امام حسن عسکری علیه السلام در دائرة المعارف اسلام به قلم ژوزف الیاش یهودی (۱۹۳۲-۱۹۸۱م)<sup>۱</sup> است. این مدخل در کتاب تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام به قلم حسین مسعودی ترجمه و به پیوست نقد محمدرضا جباری توسط مؤسسه شیعه‌شناسی قم منتشر شده است. پس از آن، عباس احمدوند و سعید طاوسی مسرور در مقاله‌ای که در فصلنامه تاریخ اسلام منتشر شد، به نقد مقاله الیاش و همچنین نقد برخی ملاحظات جباری بر آن مقاله پرداختند (احمدوند و طاوسی مسرور، ۱۳۸۷: ۱۴۹-۱۷۰). جباری تصریح می‌کند علی‌رغم تمام اشکالات و نقایص، مؤلف این مدخل از منابع شیعی همچون الکافی، الارشاد و بحار الانوار در کنار منابع کهن تاریخی همچون مروج الذهب و منابع فرقه‌نگاری همچون الملل والنحل بهره برده و تعصبات ضد شیعی در نگاشته وی محسوس نیست (جباری، ۱۳۸۵: ۴۳۹).

الیاش در آغاز به کنیه، نام و القاب امام علیه السلام اشاره می‌کند. از القاب امام، عناوین الصامت، الزکی، الخالص، النقی، الرفیق، الهادی و ابن الرضا را نام برده و می‌گوید عسکری لقبی است برگرفته از عسکر سامرا که به او و پدرش امام دهم اطلاق می‌شده است (الیاش، ۱۳۸۵: ۴۳۳). همان اشکال دونالدسون که القاب امام علیه السلام را کامل ذکر نکرده بود، درباره الیاش هم صدق می‌کند؛ او نیز القابی از جمله السراج و الفاضل را نیاورده است (درباره القاب امام در منابع شیعی نک طیبسی، ۱۳۸۲: ۱۶-۲۱). لقب السراج در برخی گزارش‌ها با عنوان سراج أهل الجنة آمده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱/۲۹۲). شیخ طوسی گزارشی از امام عسکری علیه السلام نقل کرده که در آن، حضرت بر خود صلوات فرستاده و یکی از اوصاف خود را النور المضيء بر شمرده است

۱. ژوزف الیاش دکتری خود را در دانشگاه لندن گذراند و در سال ۱۹۶۶م موفق به اخذ مدرک دکتری در مطالعات اسلامی شد. او در سال ۱۹۶۷م به آمریکا رفت و با کمک مالی بنیاد فورد در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس، تحصیلات خود را در مقطع فوق دکتری ادامه داد. او از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱م در UCLA تدریس کرد و همزمان استادیار مطالعات یهودی در کالج اوپرلین شد. آثار ژوزف الیاش در مورد فقه شیعی شامل دستنویس‌ها، مطالب منتشر شده، مکاتبات و اسناد کمک هزینه‌های مالی در دو بخش پرونده کمک هزینه‌های مالی و پرونده نوشته‌ها موجود است و در آرشیو کالج اوپرلین نگهداری می‌شود. به غیر از مکتوبات مربوط به ترجمه بخش‌هایی از الکافی که با کمک هزینه اوقاف ملی علوم انسانی انجام داده بود، کتاب شیعه امامیه با نگاه به سنت روایی آنان مهم‌ترین تألیف چاپ‌نشده الیاش به صورت دستنویس موجود است. وی مقالاتی نیز در نشریات غربی به چاپ رسانده که عبارت است از: «نظریه فقهای شیعه اثنی عشری در مورد مرجعیت سیاسی و فقهی»، «سوء تفاهماتی درباره جایگاه فقهی علمای ایرانی»، «درباره پیدایش و تکامل شهادت ثالثه در تشیع»، «قرآن شیعی، بازنگری آرای گلدزیهر» و «بررسی کتاب اسلام شیعی». مدخل «حسن عسکری علیه السلام» تنها مدخلی است که او برای دائرة المعارف اسلام تألیف کرده است (برای تفصیل بیشتر نک. احمدوند و طاوسی مسرور، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۵۱).

(طوسی، مصباح‌المتجهد: ۱/۴۰۵).

الیاش هیچ اشاره‌ای به ویژگی‌های ظاهری امام نکرده است؛ در حالی که توصیفات نسبتاً دقیقی از ظاهر امام علیه السلام در منابع امامیه وجود دارد. بنابر گزارشی در *الکافی*، احمد بن عبیدالله بن خاقان مأمور جمع‌آوری مالیات در قم که عداوت بسیاری نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشت (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۰۳) و پدرش وزیر معتمد عباسی بود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۷/۲۳۵)، امام علیه السلام را این‌گونه وصف کرده است: «جوانی گندم‌گون، با قامتی نیکو، صورتی زیبا و اندامی موزون، با جلالت و هیبت» (کلینی: همانجا).

الیاش مدینه را به عنوان محل ولادت حضرت ذکر می‌کند و می‌افزاید: «بیشتر منابع شیعه اثنی‌عشری تاریخ تولد وی را ربیع‌الاول سال ۲۳۰ مطابق با نوامبر ۸۴۴ م دانسته‌اند اما کلینی ماه رمضان سال ۲۳۲ مطابق با آوریل ۸۴۷ م را ذکر کرده است.» (الیاش: همانجا) این مطلب نادرست است؛ اولاً بسیاری از علمای شیعه قول سال ۲۳۰ هجری را اصلاً ذکر نکرده‌اند و اگر هم ذکر شده است، آن را از اقوال شاذ می‌دانند. ثانیاً بیشتر محققان شیعی مانند کلینی، مفید، امین‌الاسلام طبرسی و محدث قمی قول سال ۲۳۲ هجری را مطرح کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۰۳؛ مفید، *الارشاد*: ۲/۳۱۳؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۲/۱۳۱؛ قمی، ۱۳۷۹: ۳/۱۹۰۵). ثالثاً تنها بنابر یکی از نسخ *الکافی*، کلینی ولادت حضرت را در ماه رمضان ۲۳۲ هجری دانسته است و علی‌اکبر غفاری مصحح *الکافی* در چاپ دارالکتب الإسلامیة و نیز مصححین چاپ دارالحدیث به آن اعتماد نکرده‌اند. به نظر می‌رسد منشأ اشتباه این باشد که کاتب نسخه‌ای که ولادت امام عسکری علیه السلام را ماه رمضان دانسته است، میان تاریخ ولادت آن حضرت با جد بزرگوارش امام حسن مجتبی علیه السلام خلط کرده است. الیاش درباره ماه ولادت نیز اشتباه کرده و آن را ربیع‌الاول دانسته است. علت این اشتباه، رجوع او به *بحارالانوار* است که در آن به نقل از *الارشاد*، نظر شیخ مفید را ربیع‌الاول می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰/۲۳۵)؛ حال آنکه در نسخ موجود از *الارشاد* ربیع‌الثانی آمده است (مفید: همانجا)؛ لذا در چاپ *بحارالانوار* خلطی صورت گرفته است. برخلاف نظر الیاش، بیشتر منابع شیعی بر روی ماه ربیع‌الثانی اتفاق نظر دارند؛ با این حال، در روز ولادت اختلاف وجود دارد و روزهای ۴ و ۸ و ۱۰ ربیع‌الثانی ادعا شده است. تحقیقات دقیقی نشان می‌دهد قول روز هشتم از سایر اقوال قوی‌تر است (مقدسی، ۱۳۹۱: ۵۲۳ - ۵۲۵) و شیخ حرّ عاملی در این باره شعری هم سروده است (قمی، ۱۳۷۹: همانجا).

نویسنده مدخل سابق‌الذکر مادر امام را اُمّ ولد [کنیزی که برای مولایش فرزند آورده است] و نام ایشان را خَدیث و بر پایه منابع دیگری سوسن و سلیل دانسته است (الیاش: همانجا). به

غیر از این اسامی، نام مادر آن حضرت را عسفان نیز نوشته‌اند (نوبختی، ۱۳۹۵: ۳۹۴). اما به نظر می‌رسد از این میان نام صحیح مادر امام علیه السلام، سلیل باشد (احمدوند و طاوسی مسرور، ۱۳۸۷: ۱۵۳). در اینجا شایان ذکر است غالباً مادران امامان اخیر چند نام دارند و از آنجا که ام ولد بوده‌اند نام‌هایشان بیشتر از نام گل‌ها اقتباس می‌شده است (نک. شیمل، ۱۳۷۶: ۱۱۰)؛ برای نمونه برای مادر امام زمان، پنج نام یاد شده است (جاسم حسین، ۱۳۸۵: ۱۱۴). به هر روی کثرت نام، متداول بوده و حتی مادران ائمه علیهم السلام پیش و پس از تولد فرزند معصومشان نام‌های متفاوتی داشتند؛ مثلاً پس از آن که تکتتم، امام رضا علیه السلام را به دنیا آورد، امام کاظم علیه السلام وی را طاهره نامید (ناجی، ۱۳۸۷: ۹) و نرجس خاتون بعد از ولادت امام زمان علیه السلام صیقل نامیده شد (طوسی، الغیبیه: ۳۹۳).

الیاش ورود اجباری امام عسکری علیه السلام به سامرا را سال ۲۳۳ یا ۲۳۴ هجری دانسته است (الیاش: همانجا). از میان این دو قول، سال ۲۳۳ درست‌تر می‌نماید (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۴۶/۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۴۲۲). شایان ذکر است شیخ مفید تاریخ نامه متوکل به امام هادی علیه السلام مبنی بر آوردن ایشان به سامرا را ۲۴۳ ذکر کرده است (مفید، الارشاد: ۲/۳۱۲)؛ ولی چنان که گزارش الکافی نشان می‌دهد، این تاریخ مربوط به زمانی است که راوی، نسخه‌ای از نامه متوکل به امام هادی را از یحیی بن هرثمه گرفته (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۰۱) و نه تاریخی که این متن نوشته شده است. قرینه دیگر آنکه طبق گزارش ابن خلکان، امام هادی علیه السلام زمانی نزدیک ۲۰ سال و ۹ ماه در سامرا به سر برد و به همین دلیل به همراه فرزندش عسکری لقب یافته است (ابن خلکان، بی تا: ۲/۹۵). از آنجا که شهادت امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۴ واقع شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۴۲۲)، آن حضرت احتمالاً در سال ۲۳۳ به سامرا انتقال یافته و تا آخر عمر شریف‌شان نیز در آنجا حضور داشتند.

الیاش تنها به شش سال زندانی شدن امام در زمان معتمد اشاره می‌کند (الیاش: همانجا)؛ اما امام در دوران سه خلیفه پیش از معتمد نیز زندانی بوده است. برپایه گزارش ابن طاووس از ابن زیاد صیمری امام در دوره مستعین عباسی بازداشت و بعد با خلع وی از خلافت آزاد شد (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۳). این وضع در دوران مهتدی عباسی نیز وجود داشت. ابوهاشم جعفری از یاران خاص امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام در گزارشی می‌گوید: «من با ابی محمد علیه السلام در زندان مهتدی بن واثق بودیم که حضرت به من فرمود ای اباهاشم! این طغیانگر قصد دارد تا امشب مرا به شهادت رساند؛ درحالی که خدا عمرش را کوتاه می‌گرداند...» (طوسی، الغیبیه: ۲۲۳). واپسین زندان امام علیه السلام در زمان معتمد عباسی بود که مدتی پیش از

شهادت به دستور شخص او به زندان افتادند (ابن طاووس، ۱۴۱: ۲۷۵-۲۷۶).

با توجه به دلالت برخی از روایات که حاکی از بداء و انتقال منصب امامت از ابوجعفر محمد بن علی به برادرش امام عسکری علیه السلام است، الیاش نتیجه گرفته آن حضرت پس از وفات برادرش که قبلاً به عنوان امام شیعیان تعیین شده بود، توسط پدرش به عنوان امام معرفی شد (الیاش: همانجا). سه روایت ناظر به این موضوع وجود دارد: روایت اول خبری است که یحیی بن یسار قنبری [عنبری] نقل می کند. او می گوید: «امام هادی چهار ماه قبل از رحلتش فرزندش حسن را به امامت معرفی نمود و من و جماعتی از شیعیان را بر آن گواه گرفت» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۵/۱). سند این روایت به خاطر مجهول بودن همین شخص ضعیف است. روایت دوم با دو سند متفاوت و مضمونی یکسان چنین نقل شده است که وقتی محمد درگذشت، امام هادی علیه السلام رو به امام عسکری علیه السلام کرد و فرمود فرزندم خدا را شکر کن؛ همانا خداوند برای تو امر جدیدی را پدید آورد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۶/۱ ح ۴-۵). سند اول دست کم به علت عدم وثاقت موسی بن جعفر بن وهب بغدادی ضعیف است. سند دوم نیز به علت عدم وثاقت ابن مروان انباری حدیث ضعیف ارزیابی می شود. روایت سوم روایتی است که در آن گفته شده خدا در امر ابی محمد عسکری پس از ابی جعفر محمد بداء فرموده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۱). در سند این روایت اسحاق بن محمد بن احمد نخعی حضور دارد که نجاشی او را معدن تخلیط (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۳) و ابن غضائری فاسدالمذهب، کذاب در روایت و وضاع در حدیث می داند (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۴۱). اما گذشته از بحث سندی، اگر هم وقوع چنین حادثه‌ای را بپذیریم، امر جدید به معنای بداء در امر الهی و جایگزینی امام عسکری علیه السلام با محمد نیست؛ بلکه بدین معناست که ممکن بود محمد نزد شیعیان به خاطر بزرگتر بودن شایسته امامت تلقی می شد؛ اما با وفات وی، دیگر بر سر مقام امامت نزاعی صورت نمی گیرد و شیعیان از هرگونه گمراهی و سرگردانی بیرون آمدند و این نعمتی بزرگ و شایسته شکرگزاری است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۰۲/۶). ضمناً وصیت کردن امام هادی به امامت ایشان که بعد از وفات محمد صورت گرفته، با توجه به عبارت گواه گرفتن بر این امر، به معنای اعلام عمومی است نه اظهار تغییر منصب امامت. اگر این روایات را بر بداء به معنای مصطلح آن حمل کنیم، با روایات متواتری که نام تمام ائمه هدی را از ابتدا ثبت و ضبط کرده است و در آن‌ها نام امام عسکری علیه السلام نیز وجود دارد (برای نمونه نک کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۵-۵۳۵)، تعارض پیش خواهد آمد. همچنین، روایات دیگری هم در همان باب در کتاب *الکافی* وجود دارد که با روایات پیش گفته معارض است و بر این مطلب دلالت دارد که امام هادی علیه السلام فرزندش امام حسن علیه السلام را در زمان حیات



محمد عليه السلام به عنوان امام معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۵-۳۲۶؛ طوسی، الغیبة: ۲۰۵). بنابراین اظهار نظر الیاش در این قسمت کاملاً گزینشی است.

الیاش مسأله شهادت امام عليه السلام را زیر سؤال می‌برد و آن را ساخته منابع متأخر شیعی می‌داند؛ چرا که معتقد است امام بیمار شد و بر اثر بیماری از دنیا رفت. همچنین با نقل گزارشی از عیادت اشخاص سرشناس عباسی و علوی از آن حضرت، نظر خود را استوار می‌سازد (الیاش، ۱۳۸۵: ۴۳۴). بر پایه منابع متقدم امامی باید گفت نظر او درست است زیرا در آنها به شهادت امام عليه السلام اشاره‌ای نشده است. در منبعی از قرن ششم یعنی *مجمل التواریخ والقصص* آمده است: «و گویند زهر دادندش در شهرور سنه ست و خمسین و مأتین به عهد معتمد اندرو و عمرش بیست و نه سال بود» (*مجمل التواریخ والقصص*، بی تا: ۴۵۸). البته نوع تعبیر نویسنده نشان می‌دهد مؤلف این نظر را چندان قابل اعتنا نمی‌دانسته است. صاحب *ینایع المودة* که عالم نامور حنفی است، با تردید می‌گوید: «و یقال إنه مات بالسم أيضا» (قندوزی حنفی، ۱۴۲۲: ۳/۳۳۱). شیخ مفید نظر شیخ صدوق درباره شهادت همه امامان را نمی‌پذیرد (مفید، *تصحیح الاعتقادات*: ۱۳۱-۱۳۲). حتی امین‌الاسلام طبرسی بعد از آنکه بیشتر امامیه را قائل به شهادت همه امامان می‌داند، اما در پایان از تردید در این باره دست نمی‌کشد و می‌گوید: «و الله أعلم بحقیقة ذلك» (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲/۱۳۲).

اما در مقابل نظری که شهادت امام را به لحاظ تاریخی قابل اثبات نمی‌داند، محدث قمی قول شهادت آن حضرت را به ابن بابویه نسبت داده است (قمی، ۱۳۷۹: ۳/۱۹۴۵). شاید این انتساب از جهت روایت معتبر اباصلت هروی در *عیون اخبار الرضا* باشد که در آن امام رضا عليه السلام می‌فرماید: «ما منّا إلا مقتول شهید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۲۵۶). روایت دیگری در *کفایة الأثر با* عبارت «ما منّا إلا مقتول أو مسموم» نقل شده است (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۶۲). روایتی در *بصائر الدرجات* (صفار، ۱۴۰۴: ۴۸۲) و *اثبات الوصیة* (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۳) تصریح دارد به اینکه امام عليه السلام در زمان حیات شریف خود از شهادت خود خبر داده است.

افزون بر چند روایت اخیر، شرایط زندگی امام عسکری عليه السلام نشان می‌دهد آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا نرفته است. همانطور که بیان شد، مهتدی خلیفه عباسی به دنبال کشتن امام بود که البته موفق نشد (طوسی، الغیبة: ۲۰۵)؛ بنابراین چیز عجیبی نیست که دستگاه خلافت قصد حذف امام را داشته باشد. طبق نقل یکی از خدمتکاران آن حضرت، ایشان طی مدت شش سال در سامرا مجبور بود هر دوشنبه و پنجشنبه حضورش را در دارالحکومة به ثبت برساند (طوسی، الغیبة: ۲۱۵). در زمان بیماری حضرت، قاضی القضاة و عده‌ای از موثقین

احضار می‌شوند تا پس از رحلت حضرت، گواهی دهند ایشان به مرگ طبیعی از دنیا رفته است! (کلینی، ۱۴۰۷/۱:۵۰۵)؛ حال چطور ممکن است امام به قدری عزیز شده باشد که اشراف از حضرت عیادت می‌کنند و ابوعیسی بن المتوکل نماز میت را بر امام اقامه می‌کند؟! این‌ها نشان می‌دهد دستگاه خلافت چندان از امام علیه السلام هراس فراوان داشت که حتی پس از شهادت ایشان، اذهان عمومی مردم سامرا، عباسیان را مقصر می‌دانستند. رحلت آن حضرت در سنین جوانی می‌تواند یکی دیگر از نشانه‌های شهادت ایشان باشد (جعفریان، ۱۳۹۰: ۶۹۳). بدین ترتیب، با نگاهی جامع و مبتنی بر تراکم ظنون تاریخی می‌توان قول شهادت امام علیه السلام را تقویت کرد. در پایان این بخش شایان ذکر است در مقاله‌ای نگاشته عظیم نانجی و فرهاد دفتری از پژوهشگران مؤسسه مطالعات اسماعیلیه لندن که در آن به معرفی اجمالی اسلام شیعی پرداخته‌اند، معتقدند امام عسکری مسموم گشته و به شهادت رسیده است (Nanji & Daftary, 2007: 6).

الیاش در بند پایانی مدخل خود به اختلافات شیعیان و فرقه‌هایی که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام ایجاد شد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «شهرستانی یازده فرقه را بعد آن حضرت شناسایی کرده است؛ در حالی که مسعودی از بیست فرقه سخن می‌گوید» (الیاش: همانجا). گزارش الیاش از سخن مسعودی کاملاً درست است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۱۱۲/۴)؛ اما شهرستانی دوازده فرقه را ذکر کرده است (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱/۲۰۰) و نویسنده فرقه *الشیعة* چهارده فرقه را ذکر می‌کند (نوبختی، ۱۳۹۵: ۳۹۵-۴۲۲).<sup>۱</sup> یکی از آن فرقه‌ها مربوط به پیروان جعفر کذاب برادر امام عسکری است. یکی از پژوهشگران درباره اینکه فرقه پیروان جعفر کذاب از بین رفته‌اند یا هنوز علائم حیات آن فرقه وجود دارد، می‌نویسد: «درست روشن نیست که طرفداران جعفر و بازماندگان او تا چه وقت به عنوان یک مذهب مستقل در جامعه شیعه دوام آوردند. در سال ۳۷۳ که شیخ مفید فصل فرقه شیعه مندرج در کتاب *مجالس* خود را می‌نوشت، کسی را از اتباع او سراغ نداشت. در سال ۴۱۰ که همو کتاب اصلی خود را در باب غیبت تألیف می‌نمود، بسیاری از نوادگان جعفر به خط مستقیم تشیع پیوسته بودند. او می‌گوید که در واقع هیچ یک از نوادگان جعفر را نمی‌شناسد که با شیعیان اثنی‌عشری بر سر مسأله امامت فرزند حضرت عسکری اختلاف نظر داشته باشد. شیخ طوسی در کتاب *غیبت* خود که آن را در سال ۴۴۷

۱. درباره مؤلف کتاب *فرقه‌الشیعة* اختلاف نظر وجود دارد. یکی از محققان به خوبی نشان داده است برخلاف نظر مشهور که این کتاب را به حسن بن موسی نوبختی منتسب می‌کند، این نوشته چیزی جز مختصر کتاب *المقالات والفرق* اثر سعد بن عبدالله اشعری قمی نیست (نوبختی، ۱۳۹۵: مقدمه محقق کتاب، ۱۱۱-۱۴۸).

نوشته است، همین نکته را تأیید می‌کند. در آن زمان این فرقه به کلی ناپدید شده و هیچ کس از اتباع آن باقی نمانده بود. این اظهارات ظاهراً تا آنجا که به محدوده سنتی مذهب تشیع، از مدینه تا خراسان، مربوط می‌شود قابل اعتماد است؛ اما بسیاری از نوادگان جعفر به مناطق بلادی که در آن زمان، دور از سرزمین شیعیان بود مانند مصر و هند و نظایر آن مهاجرت کردند. بسیاری از آنان که مهاجرت کردند و همچنین آنان که در عراق ماندند از شخصیت‌های مهم اجتماعی و علمی آن بلاد شدند و به مقامات بالا دست یافتند. برخی از آنان اقطاب سلاسل مختلف صوفیه شدند. یکی از آن سلاسل که رهبری آن بر اساس انتقال مقام از پدر به فرزند مستقر است، اکنون در ترکیه وجود دارد. این فرقه در انتشارات اخیر خود، رهبران طریقت خویش را تا جعفر که او را جعفرالمهدی می‌خوانند، نام می‌برند. یکی از آخرین رهبران آنان، سید احمد حسام‌الدین، نسل بیست و نهم از جعفر است» (مدرسی طباطبائی، ۱۳۹۳: ۱۶۵-۱۶۷).

الیاش نسبت به بسیاری از ابعاد و زوایا از جمله تألیفات آن حضرت شامل مکاتبات ایشان با اصحاب و وکلای خویش (برای نمونه نک کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۰۶؛ کشی، ۱۳۴۸: ۵۳۵-۵۳۶) و دو کتاب *المقنعة* و *تفسیر منسوب به امام عسکری* و صحت و سقم آن از لحاظ انتساب اصل و محتوای آن به ایشان و نیز فعالیت جریان‌های انحرافی شیعه مانند غلات در زمان ایشان غفلت ورزیده است.

## ۲. تشیع

کتاب *Shi'ism*<sup>۱</sup> اثر هاینس هالم از مهم‌ترین کتاب‌ها در معرفی عمومی تشیع به عالم انگلیسی زبان است که در انتشار ترجمه فارسی آن به نام *تشیع* توسط محمدتقی اکبری، تعلیقات انتقادی سودمندی از سوی رسول جعفریان به آن زده شده است. هاینس هالم اسماعیلیه‌شناس و فاطمی‌پژوهی سرشناس بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر روی تشیع اثنی‌عشری متمرکز شد (برای تفصیل بیشتر درباره وی و آثارش نک. حسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۸). کتاب *تشیع* او بسیار جهت‌دار نوشته شده است؛ برای نمونه درباره حدیث غدیر می‌گوید از این گزارش هرچیزی جز جانشینی علی علیه السلام استفاده می‌شود (هالم، ۱۳۸۹: ۲۹). هالم از امامان شیعه هم به سرعت و بی‌دقتی هرچه تمام‌تر عبور کرده و از این حیث نسبت به سه قرن اول که برای شیعیان مهم است، بی‌توجهی کرده است. هالم درباره امام حسن عسکری علیه السلام تنها

1. Halm, Heinz, *Shi'ism*, translated by Janet Watson, Edinburgh University Press, 2<sup>nd</sup> edition, 2004.

به یک بند کوتاه شامل نام، کنیه، لقب عسکری و منشأ آن که زندگی در منطقه عسکراست و به این که مرقد عسکریین در سامراست، اشاره و به همین اندازه بسنده می‌کند! (همان: ۷۳).

## ۲. مقاله «تفسیر قرآن منسوب به امام عسکری (علیه السلام)» نگاشته بر اشر

مایرام. بر اشر شاگرد اتان کلبرگ در مقاله‌ای با نام «تفسیر قرآن منسوب به امام عسکری (علیه السلام)» به زندگی امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز توجه کرده است. محمدحسن محمدی مظفر در شماره ۵۸ فصلنامه هفت آسمان این مقاله را ترجمه کرده است.<sup>۱</sup> مؤلف در مقاله خود به بحث سندی کمتر توجه کرده و عمده بحث خود را به تحلیل محتوای تفسیر اختصاص داده است. او در مقدمه مقاله پس از اشاره به حجم تفسیر و اینکه این تفسیر بخش کوتاهی از قرآن را دربرمی‌گیرد، بر این باور است که تفسیر العسکری تفسیر مرتبی نیست که در آن، مفسر آیه به آیه تفسیر خود را ارائه دهد؛ بلکه مجموعه بزرگی از احادیث و غالباً با صبغه‌ای افسانه‌ای است که در بیشتر موارد به صورت سطحی و سرسری به آیات قرآن مرتبط شده‌اند (بر اشر، ۱۳۹۲: ۱۲۴). وی ادامه می‌دهد که تفسیر العسکری همانند آثار امامی پیش از دوران غیبت، آکنده از احادیثی است که توهین به سه خلیفه نخست و دیگر دشمنان نامشخص شیعه، وجوب براءت از آنان و لزوم تقیه در حضور آنان را دربردارند (همان: ۱۲۵). مؤلف به رساله‌ای از عالم برجسته شیعی محمدجواد بلاغی اشاره می‌کند که پیرامون این تفسیر و دلایل موافقان و مخالفان انتساب آن به امام (علیه السلام) نگاشته شده و به تصحیح رضا استادی به چاپ رسیده است.<sup>۲</sup> البته او در زمان نگارش مقاله خویش، آن رساله را در اختیار نداشته است؛ با این حال حدس می‌زند رساله بلاغی رساله‌ای جامع باشد (همان: ۱۲۷).<sup>۳</sup>

بر اشر بعد از ذکر دلایل چهارگانه مخالفان این تفسیر، آن را دلایلی ناکافی ارزیابی می‌کند؛ نخست آنکه بررسی رجالی و تشکیک در وثاقت افراد را محملی رایج برای رد یک اثر می‌داند (همان: ۱۲۷). البته وی هیچ توضیحی برای اثبات نقد خود ارائه نمی‌کند. دوم آنکه وجود مطالب بدعت‌آمیز یا حاوی خطاهای تاریخی را نمی‌توان به عنوان شاهده‌ی له یا علیه انتساب

۱. ترجمه دیگری از این مقاله توسط محمد الله‌دادی صورت گرفته که در کتاب تفسیر امامیه در پژوهش‌های غربی، به کوشش محمد علی طباطبایی، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۵ش، در صفحات ۱۷۱-۲۰۰ منتشر شده است.  
 ۲. رضا استادی، «رسالة أخرى حول التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام»، در الرسائل الاربعه عشرة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.  
 ۳. برای مشاهده تفصیلی آرای موافقان و مخالفان انتساب تفسیر العسکری به امام، نکرحمتی، ۱۳۸۲: سرتاسر؛ هاشمی، ۱۳۸۷: سرتاسر.

آن در نظر گرفت؛ زیرا این گونه مطالب در مکتوبات جریان غالب اولیه امامی پدیده‌ای ناشناخته نیست. او توضیحی درباره معنای «جریان غالب اولیه امامی» نمی‌دهد. ضمناً باید در نظر داشت مطابق روایاتی معتبر، اهل بیت علیهم‌السلام به پیروانشان دستور دادند تا احادیث را بر قرآن عرضه کنند و خودشان تصریح کرده‌اند اگر حدیثی مخالف با قرآن بود، آن را تکذیب می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۶/۱). البته اصولیان توضیح داده‌اند مقصود از مخالفت در این روایات، مطلق مخالفت نیست؛ بلکه مخالفت تباینی است به نحوی که مدلول خبر با محکومات قرآن قابل جمع عرفی نباشد (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۵: ۳۷۲/۲). نتیجه آنکه مضامین بدعت‌آمیز قطعاً با قرآن قابل جمع نیستند و بدین ترتیب نمی‌توان این مضامین را به معصوم نسبت داد. سوم آنکه صرف نقل نکردن مفسرانی چون علی بن ابراهیم قمی و محمد بن مسعود عیاشی از تفسیر امام دلیل بر وجود نداشتن آن در زمان امام نیست. فراتر از آن، وی بر این باورست که مضامین این تفسیر، مشخصه آثار تفسیری امامی میان دو غیبت را داراست و می‌توان آن را تا آن زمان و حتی پیش‌تر از آن یعنی زمان حیات خود حضرت تاریخ‌گذاری کرد (همان: ۱۲۹). او به عنوان صبغه افسانه‌ای تفسیر العسکری بازمی‌گردد و توضیح می‌دهد مقصود وی، آن چیزی است که قدرت متمایز علی علیه‌السلام را در مقایسه با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشان می‌دهد و حتی کار او از کار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مهم‌تر جلوه می‌دهد (همان: ۱۳۰-۱۳۲). در گزارشی دیگر از این تفسیر که «حدیث الشجرتین» نام‌گذاری شده است (التفسیر المنسوب، ۱۴۰۹: ۱۶۳-۱۶۵)، برای علی علیه‌السلام معجزه‌ای رخ می‌دهد که از معجزه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مهم‌تر است و می‌کوشد قدرت علی علیه‌السلام را نه فقط هم‌تراز، بلکه در جنبه‌هایی، بالاتر از قدرت پیامبر نشان دهد (براشر، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

به نظر براشر، از نقد قوی‌گرایش‌های غالبانه در تفسیر العسکری، که از قضا به قول محمدعلی امیرمعزی جریان غالب در تشیع امامی است، می‌توان نتیجه گرفت چنین دیدگاهی در میان گروه‌های امامی که این تفسیر در آن‌ها نوشته شده، کاملاً شیوع داشته است (همان: ۱۳۴-۱۳۵). به نظر براشر، مصحح این تفسیر ضمن بیان حدیثی (التفسیر المنسوب، ۱۴۰۹: ۴۳-۴۴) قصد داشته تا راهی میان‌گلو و تقصیر را به عنوان راه راست و درست معرفی نماید (براشر، ۱۳۹۲: ۱۳۸). به گمان راقمان این سطور، براشر هرچند گاه با عباراتی کنایه‌آمیز سخن می‌گوید، به مجرد یافتن مشابهت میان اندیشه‌ای غالبانه و اندیشه‌ای انحرافی در آیین مسیحیت حکم می‌کند که اندیشه متأخر از اندیشه متقدم تأثیر پذیرفته است، و بدون تحقیق و بررسی بر نظر امیرمعزی در خصوص غلبه جریان غالبانه در تشیع و برابری‌انگاری میان خط

غلو و تشیع تکیه می‌کند؛<sup>۱</sup> اما نکات مهمی را در نقد مننی خویش مطرح می‌سازد که حاکی از دقت اوست. این پندار که جریانی در میان امامیه متقدم در پی این بودند که امیرالمؤمنین علیه السلام به مثابه شخصیتی والاتر از پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی و تصویر شود، چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد یا به تأویل برد. در نتیجه، می‌توان با نظر نهایی برآشرا همراهی کرد که این تفسیر اگر هم از نوشته‌جات شخص امام علیه السلام نباشد، می‌توان آن را تا زمان غیبت صغری تاریخ‌گذاری کرد که دست کم تصویر مهمی از جریان‌ها و انگاره‌های شیعی فعال در قرن سوم منعکس ساخته است.

### ۳. آثار عمومی

در بیشتر دایره‌المعارف‌های عمومی غرب مدخلی درباره امام حسن عسکری علیه السلام نیامده است. برخی از آنها تنها در مدخل سامرا به وجود مزار امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کرده و یا به فرزند او که منجی است! توجه کرده‌اند.

در جلد مربوط به دین اسلام از *A Concise Encyclopedia of Islam* مدخلی یک‌بندی به حسن العسکری علیه السلام اختصاص یافته است. نویسنده مدخل مزبور، تولد امام را به اشتباه ۲۳۰ نوشته که نادرستی آن پیش‌تر بیان شد. نویسنده ایشان را یازدهمین امام شیعیان و پدر امام دوازدهم محمد بن القائم دانسته است در حالی که القائم لقب امام زمان است نه نام یا لقب پدر ایشان. در همین مدخل کوتاه، به اشتباه نوشته شده که امام حسن عسکری علیه السلام پس از وفات برادرش محمد ابوجعفر به امامت برگزیده شد (Newby, 2004: 78). دلایل نادرست بودن این گزاره نیز پیش‌تر بیان شده است.

در کتاب *Encyclopedia of Islam and Muslim World* هیچ مدخل مستقلی به امام حسن عسکری علیه السلام یا سامرا اختصاص نیافته است و تنها در مدخل «مهدی» اشاره شده که ایشان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است (Hermansen, 2004: 421).

در کتاب *Encyclopedia of Islam* هیچ مدخلی به امام یازدهم علیه السلام اختصاص داده نشده است. تنها در مدخل «مهدی» گفته است نام یکی از مهدیان را محمد بن الحسن گفته‌اند (Aslan, 2009: 447).

در مجموعه *World Religions* در جلد مربوط به اسلام به صورت کوتاه به آن حضرت اشاره شده است. در آنجا بدون آنکه به تاریخ ولادت امام اشاره کند، می‌نویسد: «امام عسکری در

۱. مدرسی طباطبائی پندار امیرمعزی را نقد کرده است (مدرسی طباطبائی، ۱۳۹۳: ۷۳-۹۸). یکی دیگر از پژوهشگران درباره جریان اکثریت امامیه در قرون متقدم، نظر سومی را برگزیده است که به موجب آن می‌توان جریان متعلق به هشام بن سالم جوالیقی را به مفهوم موشع آن، جریان غالب دانست (گرامی، ۱۳۹۱: ۸۴-۸۷).

۸۷۴ م. [۲۶۰ ق] در سامرا از دنیا رفت. پس از وفات ایشان، شیعیان در اینکه جانشین وی چه کسی است به بحث و نظر پرداختند. برخی برادرش جعفر را جانشین می‌دانستند و برخی دیگر - که بعدها به عنوان شیعیان دوازده‌امامی شناخته شدند - مخالفت کردند. آن‌ها معتقد بودند فرزند امام جانشین اوست» (Gordon, 2009: 72-73).

در *Medieval Islamic civilization: An Encyclopedia*، نیز امام عسکری علیه السلام مدخل مستقل و مجزایی ندارد و تنها در مدخل «سامرا» اشاره می‌کند دو امام شیعه، امام هادی و امام عسکری علیه السلام در مرکز شهر و در خیابان ابی‌احمد خانه‌ای داشته‌اند و در همانجا به خاک سپرده شده‌اند (Northedge, 2006: 696).

در *Cities of the Middle East and North Africa: A Historical Encyclopedia* همانند اثر بالا تنها در پایان مدخل «سامرا» چنین آمده است: «به خاطر موقعیت این شهر، سامرا برای قرن‌های متمادی به زیارتگاه شیعیان تغییر یافته است، چراکه خلفای عباسی، امامان یا به تعبیری نوادگان علی بن ابی‌طالب علیه السلام را در آن شهر زیر نظارت شدید خود نگه می‌داشتند. از این رو، امام هادی و امام عسکری علیه السلام به سامرا برده شده و نزدیک مسجد مستعین در عسکر مستعین سکنی داده شدند و نسبت آنان [عسکری] نیز از این مکان مشتق شده است» (Whitaker, 2007: 326).

دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا در مدخل امام حسن عسکری علیه السلام، در جدول شناسنامه‌وار ابتدای مدخل، سال ولادت و شهادت امام را به درستی به ترتیب ۲۳۲ و ۲۶۰ ثبت کرده است. سپس به کنیه ابومحمد و القاب ابن‌الرضا و عسکری پرداخته است. تاریخ انتقال اجباری امام حسن عسکری علیه السلام به همراه پدر و سایر خانواده را یکی از سه قول ۲۳۰ تا ۲۳۲ دانسته است. نویسنده این مدخل به رأی دونالدسون اعتماد کرده و ثمره اشتغال آن حضرت به زبان‌آموزی را اشراف به زبان‌های ترکی، هندی و فارسی دانسته است. البته بر آن افزوده که یکی از آموزه‌های شیعی درباره امامان خود، علم آنان به تمام زبان‌های بشری است. این گفته چنان که پیش‌تر اشاره کردیم، برگرفته از روایات معتبر منابع متقدم امامیه است. در ادامه این مدخل آمده است که بنابر آموزه‌های شیعی امام از دوران کودکی علم الهی داشته است. سپس، در گزارشی از دوران کودکی امام عسکری آورده است که امام به فردی که خیال می‌کرد ایشان به اسباب‌بازی علاقه دارد، فرمودند ما برای بازی کردن آفریده نشده‌ایم، بلکه برای علم‌آموزی و عبادت پروردگار آفریده شده‌ایم. این گزارش در منابع متأخر شیعی نیز آمده است (شوشتری، ۱۴۰۹: ۶۵/۲۹-۶۷). در ادامه به مشخصات مادر و همسر امام حسن عسکری علیه السلام می‌پردازد و گزارش مفصل

شرفیابی نرجس خاتون به منزل امام هادی علیه السلام و ازدواج با فرزندشان را با تکیه بر ترجمه دونالدسون نقل کرده است. در ادامه فصولی را به مسئله به امامت رسیدن امام یازدهم علیه السلام، زندانی شدن حضرت در سامرا، ماجرای نسبت داده شده به امام و کندی فیلسوف (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۴۲۴)، انتساب کتاب *تفسیر العسکری* به امام، قضیه وفات و امامت فرزند ایشان امام زمان علیه السلام پرداخته است (Wikipedia: Hasan al-Askari). جالب توجه آنکه تنها ارجاع موجود در انتهای این مدخل، کتاب *حیة الإمام الحسن العسکری* اثر باقر شریف القرشی است.

باید به یاد داشت که مجموعه Encyclopedia of Religion که وظیفه خود را معرفی نمادهای مهم تمام آیین‌های شناخته شده در دنیا می‌داند، هیچ اشاره‌ای حتی در حد نام به آن بزرگوار نکرده است. مجموعه Encyclopedia of Religion, Islamic Essays و عمده فرهنگ لغات انگلیسی اشاره‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام نکرده‌اند.

### نتیجه

بررسی آثار تخصصی و عمومی نگارش شده در غرب نشان می‌دهد که آنها تصویر کم‌رنگی از شخصیت، سیره و زمانه امام حسن عسکری علیه السلام در آثار خود ارائه کرده‌اند. تنها سه مقاله کوتاه به شخصیت آن حضرت و یک مقاله تقریباً مفصل درباره تفسیر منسوب به ایشان در غرب نوشته شده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل کم‌کاری غربیان در این حوزه آن است که محققان مسلمان به ویژه شیعیان تحقیقات و آثار کمتری درباره امام حسن عسکری علیه السلام به نسبت سایر امامان شیعه تولید کرده‌اند و مواد و آثار کمتری از آن امام در دسترس غربی‌ها بوده است. در نقد و بررسی تحقیقات محدود شیعه پژوهان غربی روشن شد که آنها افزون بر کم‌کاری تصویری ناقص و بعضاً تصویری مخدوش و تحریف شده از آن امام ارائه کرده‌اند. امید است محققان جهان اسلام به ویژه ایرانیان به زندگی آن حضرت توجه بیشتری کنند تا از این مسیر آثار بیشتری در اختیار غربی‌ها قرار گرفته و در نهایت موجب اصلاح دیدگاه آنها نسبت به آن امام شود.



## منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
- ابن خلکان اربلی، احمد بن محمد (بی‌تا)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار الفکر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی‌طالب علیهم السلام*، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، تصحیح ابوطالب کرمانی، قم، دار الذخائر.
- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، *الرجال*، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث.
- احمدوند، عباس؛ طاوسی مسرور، سعید (۱۳۸۷ش)، «بررسی و نقد مدخل [امام] حسن عسکری علیه السلام [دائرة المعارف اسلام (EI<sup>2</sup>)]»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، سال نهم، پاییز و زمستان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ش)، *فیض کاشانی از منظر خاورشناسان*، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری.
- الویری، محسن (۱۳۸۱ش)، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران، سمت.
- الیاش، ژوزف (۱۳۸۵ش)، «امام حسن عسکری علیه السلام»، *تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام (ترجمه و نقد)*، زیر نظر محمود تقی‌زاده داوری، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.
- براشر، مایرام. (۱۳۹۲ش)، «تفسیر قرآن منسوب به امام عسکری»، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر، *فصلنامه هفت آسمان*، شماره ۵۸، تابستان.
- *التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام*، (۱۴۰۹ق)، تصحیح محمدباقر موحد ابطحی، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام.
- جاسم حسین (۱۳۸۵ش)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام*، ترجمه سید محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۵ش)، «نقد و بررسی مدخل امام حسن عسکری علیه السلام»، *تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام (ترجمه و نقد)*، زیر نظر محمود تقی‌زاده داوری، قم، انتشارات

- شیعه شناسی .
- جعفریان، رسول (۱۳۹۰ش)، *حیات فکری سیاسی امامان شیعه*، تهران، نشر علم.
- حسینی، غلام احیا (۱۳۸۷ش)، *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان (۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ م.)*، قم، شیعه شناسی .
- حسینی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۵ش)، *نتایج افکار فی الاصول*، تقریر محمد جعفر جزائری، قم، انتشارات آل مرتضی .
- خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، تحقیق عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، بیدار.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهدایة الكبرى*، بیروت، مؤسسة البلاغ.
- رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۲ش)، «تفسیر امام حسن عسکری»، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۷، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی .
- شوشتری، نورالله (۱۴۰۹ق)، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی .
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴ش)، *الملل والنحل*، تحقیق محمد بدران، قم، الشریف الرضی .
- شیمل، آنه ماری (۱۳۷۶ش)، *نام های اسلامی*، ترجمه گیتی آرین، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران .
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان .
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، تحقیق محسن کوجه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی .
- صمیمی، مینو (۱۳۸۶ش)، *محمد در اروپا*، ترجمه عباس مهرپویا، تهران، اطلاعات .
- طباطبایی، محمد علی (۱۳۹۵ش) (به کوشش و ویرایش)، *تفسیر امامیه در پژوهش های غربی*، به کوشش، قم، دار الحدیث .
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث .
- طبسی، محمد جواد (۱۳۸۲ش)، *حیة الامام العسکری علیه السلام*، قم، بوستان کتاب .
- — (۱۳۷۹ش)، *با خورشید سامرا: تحلیلی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام*، ترجمه

- عباس جلالی، قم، بوستان کتاب.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الاسلامیة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ش)، *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، *روضۃ الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی.
- قمی، عباس (۱۳۷۹ش)، *منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل*، قم، دلیل ما.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *ینابیع المودة لذوی القربی*، قم، انتشارات اسوه.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش)، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- گرامی، سید محمد هادی (۱۳۹۱ش)، *نخستین مناسبات فکری تشیع: بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان های متقدم امامی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ش)، *شرح الکافی: الأصول و الروضة*، تهران، المكتبة الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- *مجمل التواریخ و القصص (بی تا)*، [اثر ابن شادی]، تحقیق ملک الشعرا ی بهار، تهران، کلاله خاور.
- مدرسی طباطبائی، سید حسین (۱۳۹۳ش)، *مکتب در فرایند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، انتشارات کویر، چاپ نهم.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴ق)، *اثبات الوصیة*، قم، انتشارات انصاریان.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجرة.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، دار المفید.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، *تصحیح اعتقادات الامامیة (موسوعة الشیخ المفید، جلد ۵)*، تحقیق حسین درگاهی، قم، دار المفید.

- مقدسی، یدالله (۱۳۹۱ش)، *بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۸۷ش)، *امام رضا علیه السلام*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نجاشی، احمدبن علی (۱۳۶۵ش)، *رجال النجاشی*، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- نوبختی، حسن بن موسی [منسوب] (۱۳۹۵ش)، *فرق الشیعة*، تحقیق محمدباقر ملکیان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- هاشمی، سیده فاطمه (۱۳۸۷ش)، *بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی*.
- هالم، هاینس (۱۳۸۹ش)، *تشیع*، ترجمه محمدتقی اکبری، تهران، نشر ادیان.
- Aslan, Reza (2009), "Mahdi", in: *Encyclopedia of Islam*, Edited by Juan E. Campo, New York: Facts on File.
- Bar-Asher, Meir M.(2004), "The Quran Commentary Ascribed to Imam Hasan Al-Askari", in *Jerusalem studies in Arabic and Islam*, No. 24.
- Donaldson, Dwight M.(1933), *The Shi'ite Religion: A History of Islam in Persia & Iraq*, London: Luzac & Company.
- Eliash, Joseph (1986), "HASAN AL-ASKARI", in: *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leiden: E.J. Brill.
- *Encyclopedia of Religion*(2005), Vol. 12, Edited by Lindsay Jones, New York: Thomson Gale.
- Gordon, Mathew S. (2009), *World Religions: Islam*, fourth edition, New York: Chelsea House Publishers.
- Halm, Heinz (2004), *Shi'ism*, translated by Janet Watson, London: Edinburgh University Press, 2<sup>nd</sup> edition.
- Hermansen (2004), "MAHDI", in: *Encyclopedia of Islam and Muslim World*, Edited by Richard C. Martin, New York: Thomson Gale.
- Nanji, Azim (2007); Daftary, Farhad, "What is Shi'a Islam?", London: The Institute of Ismaili Studies.
- Newby, Gordon (2004), "Hasan al-Askari", in: *A Concise Encyclopedia of Islam*, London: Oneworld Publications.
- Northedge, Alastair (2006), "Samarra", in: *Medieval Islamic civilization: An Encyclopedia*, Edited by Josef W. Meri, New York & London: Routledge.
- Taghavi, Hadi & Roohi, Ehsan & Karimi, Navid, " An Ignored Arabic Account of a Byzantine Royal.
- Whitaker, J. L. (2007), "Samarra", in: *Cities of the Middle East and North Africa: A Historical Encyclopedia*, Edited by Michael R. T. Dumper & Bruce E. S. Stanley, Santa Barbara: ABC-CLIO.
- "Hasan al-Askari" in: [https://en.wikipedia.org/wiki/Hasan\\_al-Askari](https://en.wikipedia.org/wiki/Hasan_al-Askari) (تاریخ بازیابی: ۹۶/۱۲/۲۶)